نگاه

ایران، بازیگر اصلی انتخابات آمریکا

مرتضی اللهداد
اقتصاددان

دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، شامل قوه مجریه و مقننه است که در رأس آن رئیس‌جمهور و کنگره قرار دارند. از آنجایی که نظام سیاسی آمریکا یک نظام ریاستی است و رئیس‌جمهور هم در آن اختیارات فراوان دارد، از لحاظ قانونی هم مسئولیت‌ها بر عهده شخص رئیس‌جمهور است. همه وزیران نیز صرفا عامل اجرائی افکار سیاسی رئیس‌جمهور هستند. در بخش سیاست‌های خارجی، نقش اول را وزارت خارجه دارد. دو نهاد دیگر هم به شکلی جزء کابینه رئیس‌جمهور محسوب می‌شوند و در سیاست‌های خارجی قوه مجریه دخالت دارند. این دو نهاد، شورای امنیت ملی و سازمان سیا هستند. ماموریت آنها حفظ امنیت آمریکاست و به همین‌دلیل تعیین‌کننده بخشی از سیاست خارجی آمریکا هستند. یک منبع اصلی و بسیار مهم در سیاست خارجی ایالات متحده، قوه مقننه یا همان کنگره است. این سیستم درحقیقت یک سیستم کنترل و تعادل در سیاست خارجی آمریکاست و به‌نوعی دست بالای رئیس‌جمهور را دارد. از طرفی از آنجاکه نظرات در مصرف صحیح بودجه و منابع مالی قوه مجریه ازسوی کنگره انجام می‌گیرد، این نهاد به‌راحتی می‌تواند در سیاست خارجی آمریکا اعمال نظر کند و جایی که لازم بداند، را تأیید کرده یا تغییر دهد. احزاب دموکرات و جمهوری‌خواه هم در روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی آمریکا تاثیرگذارند. اگر به گفتمان‌هایی که پس دو کاندیدای ریاست‌جمهوری از دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات وجود دارد بپردازیم، شاهد خواهیم بود آنها همواره بـه هم اتهام می‌زنند. درواقع مسائل رقابتی در انتخابات آمریکا ماهیت اتهام‌گرایی دارد. اما حقیقت آن است حوزه بوروکراتیک و سیستم سازمانی آمریکا برای سیاست‌های راهبردی کشور فراتر از شعارهای انتخاباتی است. درباره ایران و خاورمیانه هم نهادهای سیاست‌گذار رسمی (قوه مجریه و کنگره) اثربخشی دارند. اما منابع غیررسمی هم در سیاست‌های خارجی اثرگذار هستند. نهادهایی مانند شورای روابط خارجی، کمیسیون سـه‌جانبه، گروه‌های فشـار و ذی‌نفـوذ به‌ویژه لابی یهودیان، بازرگانان و حتی مهاجران. افکار عمومی، دانشمندان و مؤسسات پژوهشـی هم در سیاست خارجی آمریکا مهم هستند. در صورت پیروزی هیلاری کلینتون در انتخابات آمریکا، از ممکن است تاکتیک‌های متفاوتی از آقای اوباما را درباره ایران به کار گیرد. اما درکل استراتژی‌ها تغییرات عمده‌ای ایجاد نمی‌کند. زیرا متعلق به حزبی است که عملکردی مشابه رویه فعلی آقای اوباما از او انتظار می‌رود. او گرایش بسیار شـدیدی به لابی صهیونیستی دارد و به دنبال جلب‌توجه آنهاست. بنابراین درست عکس آقای اوباما، سعی می‌کند توجه اسرائیل را جلب کند. بنابراین اصراری بـر تنش‌زدایی بین ایران و آمریکا نخواهد داشـت. بنابراین مطمئنا بعـد از انتخابات به تعهـدات برجام متعهد می‌ماند. اما اقدامی در راسـتای بهبود روابط نمی‌کند. کلینتون در برخی از نمایش‌های انتخاباتی خود کفته در مقابل توافق‌نامه هسـته‌ای ایران خود را مکلف می‌داند. اما این بی‌اعتمادی نسبت به ایران همواره است مؤسسه «بروکینگز» هم مقاله‌ای دراین‌باره دارد. در این مقاله تأکید شده در صورت ریاسـت‌جمهوری کلینتون تعداد زیادی از سیاست‌های اوباما با تأکید بیشـتر بر منافع آمریکا در خاورمیانه تداوم می‌یابد. در جمع‌بندی موضع کلینتون باید کفت موضع این نامزد انتخابات آمریکا بسیار نزدیک به موضع مقامات ایرانی است که معتقدند توافق اخیر با ۵+۱، فقط در به موضع مقامات ایرانی است که معتقدند توافق اخیر با ۵+۱، فقط در موضع مشخص هسته‌ای است و به سایر ماده‌های اختلافی کشور ربطی ندارد. دراین‌صورت اتفاق خاصی در روابط آمریکا و ایران نمی‌افتد. اگر امروز آقای اوباما اعـلام می‌کند در صورت احـلال در روند فروش تجهیزات به ایـران، آن را وتو خواهد کرد، کلینتون چنین حرفی نخواهد زد. بنابراین مواضع اختلافی او فقط‌ا از دوره اوباما، بسـتر خواهد بود. دونالـد ترامپ شـخصیتی متفاوت از هیلاری کلینتون دارد. شـخصیت آقای ترامپ شـخصیتی کاسبانه است و بیشتر نگاه تاجری دارد. بنابراین می‌اندیشـد حتی اگر قرار است حوایجمانی به ایران به فروش برسد، بهتر است آن بیوینک باشد نه ایرانی. درواقع با وجود دشمنی، وقتی پای مسائل اقتصادی به میان می‌آید، نگاه اقتصادی غالب خواهد بود. ترامپ در سخنرانی‌های انتخاباتی خود در بین لابی صهیونیست‌ها، به یهودیان آمریکا تضمین داد اولویت شـماره یک او بعد از ریاست‌جمهوری، ازبین بردن توافق با ایران خواهد بود. اما درعین‌حال نباید فراموش کرد خود با وجود انتظارات تندی که به دسـتگاه دیپلماسی اوباما داشته، ادعای پارفردن توافق‌نامه هسـته‌ای را در صورت پیروزی رد کرده است و آمریکا را مجبور به اجرای توافق‌نامه می‌کند. اما در عین‌حال نباید فراموش می‌زند. یکی از کارشناسـان «سـی‌ان‌ان» تحلیلی ارائه داده که اگر ایران از توافق هسته‌ای تخطی نماید، هم ترامپ و هم کلینتون مدعی‌اند اوباما بر توافق هسـته‌ای متعهد خواهند ماند. چون اصولا به‌همزدن این توافق زندگی دیپلماتیک سیاسـتمداران آمریکا خواهد بود. بنابراین به تمامی کسانی که ایران را تهدید می‌کنند این پیسـتم درحقیقت یک سیسـتم کنترل و تعادل در سیاست خارجی آمریکاسـت و به‌نوعی دسـت بالای رئیس‌جمهـور را دارد. از طرفی از آنجاکه رئیس‌جمهوری می‌شود، تحمیل مستقیما این مسائل در حوزه امنیت است، ارتباط پیدا می‌کند. دوم منافع ملی آمریکا که بخشی به مسائل انرژی، تجارت و پول آمریکا برمی‌گردد. آمریکایی‌ها تنها شهروندانی هسـتند که در همه‌جا می‌توانند از پول خودشان استفاده کنند؛ چون دلار آمریکا پولی جهانی است. بر اثر تحریم‌ها بازار خرید ما متحول شد و دلار هزار تومانی به سه هزار تومان رسید؛ بعضی قدرت خرید ما در دنیا یک‌سوم شد؛ مثلا وقتی آقای سـندرز می‌گوید تصمیم دارد حداقل دسـتمزد را در آمریکا از هشـت دلار به ۱۵ دلار برسـاند، طبیعتا این کار بلافاصله بازار کار دنیا را به‌هم می‌ریزد و تغییرات اساسی ایجاد می‌کند. تجربه تحریم نشان داد تجارت و مناسبات اقتصادی ما به روابط‌مان با آمریکا گره خورده است؛ بنابراین اگر کسی رئیس‌جمهوری شود که به این قضیه کمک کند، باعث می‌شـود روابط ما با کشورهای دیگر گسـترده‌تر شـود. حتی اگر با آمریکا کار نکنیم، می‌توانیم راحت‌تر با کشـورهای دیگر کار کنیم. اگر کسی باشد که مشـکل ایجاد کند، تجارت ما دنیا و ارتباطات سـرمایه‌گذاری دچار مشکل می‌شود. نکته سـوم ارزش‌های آمریکاست. اقتصاد آزاد، جامعه باز و حقوق بشر، هر سه موارد‌ی است که جایگاه دولت ما اسـت؛ هرچند میزان این جایگـاه در دولت‌های مختلف متفاوت بوده؛ اما به‌طور منظم این جایگاه وجود داشته است. تئوری آمریکایی این اسـت که هیچ جامعه باز تهدیدی برای منافع ملی آمریکا نخواهد بود. علت هم واضح اسـت. بیشـترین درصد کمپانی‌های بین‌المللی را آمریکایی‌ها دارند. سـیاست خارجی آمریکا کرانیکاه این سـه مؤلفه اسـت. در زمانی که بحران امنیتی به وجود می‌آید، نقطه کرانیکاه به سمت منافع امنیتی سوق پیدا می‌کند؛ مثل حادثه ۱۱ سپتامبر. زمانی که بحران اقتصادی ایجاد شود، کرانیکاه به سمت منافع متمایل می‌شـود. وقتی این دو کاهش پیدا کند، ارزش‌های آمریکایی نمود پیدا می‌کند و کشـورهایی که از این منظر دچار مشـکل هستند، تحت فشار قرار می‌گیرند که بسمتکی دارد کدام به موضوع فوری تبدیل شـوند؛ بنابراین تمام کشورهای دنیا به میزانی که با این سـه مسئله دیگر مبتلـا هستند، با سیاست خارجی آمریکا مرتبط هستند. به رئیس‌جمهوری کند در آمریکا سرکار می‌آید، به واسطه این سه مؤلفه از سوی همه کشورها توجه خواهد شد.

★ نگرش‌های دوکاندیدای مطرح آمریکا در حوزه اقتصادی چیست؟

نظربلند: اگر می‌خواهید به نامزد ریاست‌جمهوری آمریکا نگاه کنید، باید ساختار سیاسی آمریکا را در نظـر بگیریم. در این صورت جایگاه رئیس‌جمهوری به‌طورکلی روشـن می‌شـود. البته آنچه اتفـاق می‌افتد، تصمیمات خیلی بیشـتر بحث را در صورت خـوش‌اقبالی، در سـطح سیاست‌های اجرائی است. در این نظام، رئیس‌جمهوری، رئیس قوه مجریه و به‌عنوان رئیس‌جمهور است. قوه مقننه، رئیس‌جمهور را در کنترل و حتی محدود و متوقف می‌کند. آمریکا دو مجلس سنا و نمایندگان دارد که با هم کنکره را تشکیل می‌دهند. وقتی رئیس‌جمهور می‌خواهد بودجه را به‌این‌مجلس بدهد یا بدهد کنکره را رد می‌کند یا خیر. در نظر بگیرید یک به لحاظ وظایف قانونی و ماموریت آن‌ها در کنکره از این نظر که اپاکتریت کنکره یا یکی به ازای دو مجلس، با جزب رئیس‌جمهوری مستقر یک است یا مخالف آن است. خیلی مهم اسـت که دو مجلس با رئیس‌جمهوری موافق باشند. تمام اختیارات رئیس‌جمهوری آمریکا که مطرح می‌شود، چرا آمریکا با این ارتباط دارد؟ ما در خاورمیانه در سیاست خارجی ایالات متحـده، قوه مقننه یا همان کنکره اسـت. این سیسـتم درحقیقت یک سیسـتم کنترل و تعادل در سیاست خارجی آمریکاسـت و به‌نوعی دسـت بالای رئیس‌جمهـور را دارد. از طرفی از آنجاکه رئیس‌جمهوری می‌شود، تحمیت مستقیما این مسائل در حوزه امنیت است، ارتباط پیدا می‌کند. دوم منافع ملی آمریکا که بخشی به مسائل انرژی، تجارت و پول آمریکا برمی‌گردد. آمریکایی‌ها تنها شهروندانی هسـتند که در همه‌جا می‌توانند از پول خودشان استفاده کنند؛ چون دلار آمریکا پولی جهانی است. بر اثر تحریم‌ها بازار خرید ما متحول شد و دلار هزار تومانی به سه هزار تومان رسید؛ بعضی قدرت خرید ما در دنیا یک‌سوم شد؛ مثلا وقتی آقای سـندرز می‌گوید تصمیم دارد حداقل دسـتمزد را در آمریکا از هشـت دلار به ۱۵ دلار برسـاند، طبیعتا این کار بلافاصله بازار کار دنیا را به‌هم می‌ریزد و تغییرات اساسی ایجاد می‌کند. تجربه تحریم نشان داد تجارت و مناسبات اقتصادی ما به روابط‌مان با آمریکا گره خورده است؛ بنابراین اگر کسی رئیس‌جمهوری شود که به این قضیه کمک کند، باعث می‌شـود روابط ما با کشورهای دیگر گسـترده‌تر شـود. حتی اگر با آمریکا کار نکنیم، می‌توانیم راحت‌تر با کشـورهای دیگر کار کنیم. اگر کسی باشد که مشـکل ایجاد کند، تجارت ما دنیا و ارتباطات سـرمایه‌گذاری دچار مشکل می‌شود. نکته سـوم ارزش‌های آمریکاست. اقتصاد آزاد، جامعه باز و حقوق بشر، هر سه موارد‌ی است که جایگاه دولت ما اسـت؛ هرچند میزان این جایگـاه در دولت‌های مختلف متفاوت بوده؛ اما به‌طور منظم این جایگاه وجود داشته است. تئوری آمریکایی این اسـت که هیچ جامعه باز تهدیدی برای منافع ملی آمریکا نخواهد بود. علت هم واضح اسـت. بیشـترین درصد کمپانی‌های بین‌المللی را آمریکایی‌ها دارند. سـیاست خارجی آمریکا کرانیکاه این سـه مؤلفه اسـت. در زمانی که بحران امنیتی به وجود می‌آید، نقطه کرانیکاه به سمت منافع امنیتی سوق پیدا می‌کند؛ مثل حادثه ۱۱ سپتامبر. زمانی که بحران اقتصادی ایجاد شود، کرانیکاه به سمت منافع متمایل می‌شـود. وقتی این دو کاهش پیدا کند، ارزش‌های آمریکایی نمود پیدا می‌کند و کشـورهایی که از این منظر دچار مشـکل هستند، تحت فشار قرار می‌گیرند که بسمتکی دارد کدام به موضوع فوری تبدیل شـوند؛ بنابراین تمام کشورهای دنیا به میزانی که با این سه مسئله دیگر مبتلـا هستند، با سیاست خارجی آمریکا مرتبط هستند. به رئیس‌جمهوری کند در آمریکا سرکار می‌آید، به واسطه این سه مؤلفه از سوی همه کشورها توجه خواهد شد.

★ نگرش‌های دوکاندیدای مطرح آمریکا در حوزه اقتصادی چیست؟

نظربلند: اگر می‌خواهید به نامزد ریاست‌جمهوری آمریکا نگاه کنید، باید ساختار سیاسی آمریکا را در نظـر بگیریم. در این صورت جایگاه رئیس‌جمهوری به‌طورکلی روشـن می‌شـود. البته آنچه اتفـاق می‌افتد، تصمیمات خیلی بیشـتر بحث را در صورت خـوش‌اقبالی در سـطح سیاست‌های اجرائی است. در این نظام، رئیس‌جمهوری، رئیس قوه مجریه و به‌عنوان رئیس‌جمهور است. قوه مقننه، رئیس‌جمهور را در کنترل و حتی محدود و متوقف می‌کند. آمریکا دو مجلس سنا و نمایندگان دارد که با هم کنکره را تشکیل می‌دهند. وقتی رئیس‌جمهوری می‌خواهد بودجه را به‌این‌مجلس بدهد یا خیر. در نظر بگیرید یک به لحاظ وظایف قانونی و ماموریت آن‌ها در کنکره از این نظر که اپاکتریت کنکره یا یکی به ازای دو مجلس، با جزب رئیس‌جمهوری مستقر یک است یا مخالف آن است. خیلی مهم اسـت که دو مجلس با رئیس‌جمهوری موافق باشند. تمام اختیارات رئیس‌جمهوری آمریکا که مطرح می‌شود، چرا آمریکا با این ارتباط دارد؟ ما در خاورمیانه در سیاست خارجی ایالات متحـده، قوه مقننه یا همان کنکره اسـت. این سیسـتم درحقیقت یک سیسـتم کنترل و تعادل در سیاست خارجی آمریکاسـت و به‌نوعی دسـت بالای رئیس‌جمهـور را دارد. از طرفی از آنجاکه رئیس‌جمهوری می‌شود، تحمیت مستقیما این مسائل در حوزه امنیت است، ارتباط پیدا می‌کند. دوم منافع ملی آمریکا که بخشی به مسائل انرژی، تجارت و پول آمریکا برمی‌گردد. آمریکایی‌ها تنها شهروندانی هسـتند که در همه‌جا می‌توانند از پول خودشان استفاده کنند؛ چون دلار آمریکا پولی جهانی است. بر اثر تحریم‌ها بازار خرید ما متحول شد و دلار هزار تومانی به سه هزار تومان رسید؛ بعضی قدرت خرید ما در دنیا یک‌سوم شد؛ مثلا وقتی آقای سـندرز می‌گوید تصمیم دارد حداقل دسـتمزد را در آمریکا از هشـت دلار به ۱۵ دلار برسـاند، طبیعتا این کار بلافاصله بازار کار دنیا را به‌هم می‌ریزد و تغییرات اساسی ایجاد می‌کند. تجربه تحریم نشان داد تجارت و مناسبات اقتصادی ما به روابط‌مان با آمریکا گره خورده است؛ بنابراین اگر کسی رئیس‌جمهوری شود که به این قضیه کمک کند، باعث می‌شـود روابط ما با کشورهای دیگر گسـترده‌تر شـود. حتی اگر با آمریکا کار نکنیم، می‌توانیم راحت‌تر با کشـورهای دیگر کار کنیم. اگر کسی باشد که مشـکل ایجاد کند، تجارت ما دنیا و ارتباطات سـرمایه‌گذاری دچار مشکل می‌شود. نکته سـوم ارزش‌های آمریکاست. اقتصاد آزاد، جامعه باز و حقوق بشر، هر سه موارد‌ی است که جایگاه دولت ما اسـت؛ هرچند میزان این جایگـاه در دولت‌های مختلف متفاوت بوده؛ اما به‌طور منظم این جایگاه وجود داشته است. تئوری آمریکایی این اسـت که هیچ جامعه باز تهدیدی برای منافع ملی آمریکا نخواهد بود. علت هم واضح اسـت. بیشـترین درصد کمپانی‌های بین‌المللی را آمریکایی‌ها دارند. سـیاست خارجی آمریکا کرانیکاه این سـه مؤلفه اسـت. در زمانی که بحران امنیتی به وجود می‌آید، نقطه کرانیکاه به سمت منافع امنیتی سوق پیدا می‌کند؛ مثل حادثه ۱۱ سپتامبر. زمانی که بحران اقتصادی ایجاد شود، کرانیکاه به سمت منافع متمایل می‌شـود. وقتی این دو کاهش پیدا کند، ارزش‌های آمریکایی نمود پیدا می‌کند و کشـورهایی که از این منظر دچار مشـکل هستند، تحت فشار قرار می‌گیرند که بسمتکی دارد کدام به موضوع فوری تبدیل شـوند؛ بنابراین تمام کشورهای دنیا به میزانی که با این سه مسئله دیگر مبتلـا هستند، با سیاست خارجی آمریکا مرتبط هستند. به رئیس‌جمهوری کند در آمریکا سرکار می‌آید، به واسطه این سه مؤلفه از سوی همه کشورها توجه خواهد شد.

★ رابطه این مواضع با اقتصاد ایران چه چیزی می‌تواند باشد؟

شفاقی‌شـهری: اقتصاد آمریکا درحال‌حاضر ۱۸.۵ تریلیون دلار از ۲۰ تریلیون دلار تولید ناخالص جهانی را در اختیار دارد. بعد از جنگ جهانی دوم که آمریکایی‌ها حدود ۵۰ درصد اقتصاد جهان را در اختیار داشـتند، آمریکـا اکنون کمابیش بیسـتا کرده و حـدود ۲۵ درصد اقتصاد دنیا را دارد. تولید چینی‌ها هم به ۱۱ تریلیون دلار رسـیده اسـت. اما در قدرت برابـری خریـد چینی‌ها حتـی از آمریکایی‌ها هم جلوتر هسـتند. یعنی این جاش‌ها را خانم کلینتون به‌خوبی بـرمی‌شـمرد. حتی در کتاب «سـخت‌ها» هم اشـاره کرده‌اند که قدرت ما رهبر آمریکاسـت. در آنجا هم نگرش متفاوتی از آقای اوباما و همچنین‌های خودش نسـبت به آمریکا نمی‌بینم. عقیده آقای اوباما به مردم آمریکا به ترامپ بیشتر گرایش دارد. این اسـت که ایشـان روی موضوع‌های مهمی مثل تاریخ‌ها دست گذاشته است. آقای سـندرز نکاهش سـوسیال-دموکرات بوده و به تاریخ‌ها اعتراف داشته است. درواقع ترامپ و سندرز به شعار «یک دلار، یک رای» اشاره می‌کند؛ اما حتی در بحث اشـتغال هم، درست است که شرکت‌های فراملیتی به وجود می‌آید. نقطه کرانیکاه به سمت منافع امنیتی سوق پیدا می‌کند؛ مثل حادثه ۱۱ سپتامبر. زمانی که بحران اقتصادی ایجاد شود، کرانیکاه به سمت منافع متمایل می‌شـود. وقتی این دو کاهش پیدا کند، ارزش‌های آمریکایی نمود پیدا می‌کند و کشـورهایی که از این منظر دچار مشـکل هستند، تحت فشار قرار می‌گیرند که بسمتکی دارد کدام به موضوع فوری تبدیل شـوند؛ بنابراین تمام کشورهای دنیا به میزانی که با این سه مسئله دیگر مبتلـا هستند، با سیاست خارجی آمریکا مرتبط هستند. به رئیس‌جمهوری کند در آمریکا سرکار می‌آید، به واسطه این سه مؤلفه از سوی همه کشورها توجه خواهد شد.

★ نگرش‌های دوکاندیدای مطرح آمریکا در حوزه اقتصادی چیست؟

نظربلند: اگر می‌خواهید به نامزد ریاست‌جمهوری آمریکا نگاه کنید، باید ساختار سیاسی آمریکا را در نظـر بگیریم. در این صورت جایگاه رئیس‌جمهوری به‌طورکلی روشـن می‌شـود. البته آنچه اتفـاق می‌افتد، تصمیمات خیلی بیشـتر بحث را در صورت خـوش‌اقبالی در سـطح سیاست‌های اجرائی است. در این نظام، رئیس‌جمهوری، رئیس قوه مجریه و به‌عنوان رئیس‌جمهور است. قوه مقننه، رئیس‌جمهور را در کنترل و حتی محدود و متوقف می‌کند. آمریکا دو مجلس سنا و نمایندگان دارد که با هم کنکره را تشکیل می‌دهند. وقتی رئیس‌جمهوری می‌خواهد بودجه را به‌این‌مجلس بدهد یا خیر. در نظر بگیرید یک به لحاظ وظایف قانونی و ماموریت آن‌ها در کنکره از این نظر که اپاکتریت کنکره یا یکی به ازای دو مجلس، با جزب رئیس‌جمهوری مستقر یک است یا مخالف آن است. خیلی مهم اسـت که دو مجلس با رئیس‌جمهوری موافق باشند. تمام اختیارات رئیس‌جمهوری آمریکا که مطرح می‌شود، چرا آمریکا با این ارتباط دارد؟ ما در خاورمیانه در سیاست خارجی ایالات متحـده، قوه مقننه یا همان کنکره اسـت. این سیسـتم درحقیقت یک سیسـتم کنترل و تعادل در سیاست خارجی آمریکاسـت و به‌نوعی دسـت بالای رئیس‌جمهـور را دارد. از طرفی از آنجاکه رئیس‌جمهوری می‌شود، تحمیت مستقیما این مسائل در حوزه امنیت است، ارتباط پیدا می‌کند. دوم منافع ملی آمریکا که بخشی به مسائل انرژی، تجارت و پول آمریکا برمی‌گردد. آمریکایی‌ها تنها شهروندانی هسـتند که در همه‌جا می‌توانند از پول خودشان استفاده کنند؛ چون دلار آمریکا پولی جهانی است. بر اثر تحریم‌ها بازار خرید ما متحول شد و دلار هزار تومانی به سه هزار تومان رسید؛ بعضی قدرت خرید ما در دنیا یک‌سوم شد؛ مثلا وقتی آقای سـندرز می‌گوید تصمیم دارد حداقل دسـتمزد را در آمریکا از هشـت دلار به ۱۵ دلار برسـاند، طبیعتا این کار بلافاصله بازار کار دنیا را به‌هم می‌ریزد و تغییرات اساسی ایجاد می‌کند. تجربه تحریم نشان داد تجارت و مناسبات اقتصادی ما به روابط‌مان با آمریکا گره خورده است؛ بنابراین اگر کسی رئیس‌جمهوری شود که به این قضیه کمک کند، باعث می‌شـود روابط ما با کشورهای دیگر گسـترده‌تر شـود. حتی اگر با آمریکا کار نکنیم، می‌توانیم راحت‌تر با کشـورهای دیگر کار کنیم. اگر کسی باشد که مشـکل ایجاد کند، تجارت ما دنیا و ارتباطات سـرمایه‌گذاری دچار مشکل می‌شود. نکته سـوم ارزش‌های آمریکاست. اقتصاد آزاد، جامعه باز و حقوق بشر، هر سه موارد‌ی است که جایگاه دولت ما اسـت؛ هرچند میزان این جایگـاه در دولت‌های مختلف متفاوت بوده؛ اما به‌طور منظم این جایگاه وجود داشته است. تئوری آمریکایی این اسـت که هیچ جامعه باز تهدیدی برای منافع ملی آمریکا نخواهد بود. علت هم واضح اسـت. بیشـترین درصد کمپانی‌های بین‌المللی را آمریکایی‌ها دارند. سـیاست خارجی آمریکا کرانیکاه این سـه مؤلفه اسـت. در زمانی که بحران امنیتی به وجود می‌آید، نقطه کرانیکاه به سمت منافع امنیتی سوق پیدا می‌کند؛ مثل حادثه ۱۱ سپتامبر. زمانی که بحران اقتصادی ایجاد شود، کرانیکاه به سمت منافع متمایل می‌شـود. وقتی این دو کاهش پیدا کند، ارزش‌های آمریکایی نمود پیدا می‌کند و کشـورهایی که از این منظر دچار مشـکل هستند، تحت فشار قرار می‌گیرند که بسمتکی دارد کدام به موضوع فوری تبدیل شـوند؛ بنابراین تمام کشورهای دنیا به میزانی که با این سه مسئله دیگر مبتلـا هستند، با سیاست خارجی آمریکا مرتبط هستند. به رئیس‌جمهوری کند در آمریکا سرکار می‌آید، به واسطه این سه مؤلفه از سوی همه کشورها توجه خواهد شد.

قدرت چانه‌زنی بیشتر ایران با ترامپ

به قدرت رسیدن هریک از کاندیدا‌های ریاست جمهوری آمریکا چه تأثیری بر اقتصاد ایران دارد

میزگردی با حضور غلامرضا نظربلند، قاسم محب‌علی و وحید شقاقی‌شهری

عکس: رضا عباد رستمی، شرق

شوکه حیرت‌زاده: انتخابات ایالات متحده آمریکا همواره برای ایران دارای اهمیت بوده، زیرا رویکردهای این کشـور در مواجهه با خاورمیانه و ارتباطات کشـوره این کشور با شرکای اروپایی و آسـیایی خود، می‌تواند ایران را مسـتقیما تحت تاثیر قرار دهد. چنانچه در انتخابات‌های تحریم هسـته‌ای ایران، فشـارهای اقتصادی زیادی از ناحیه این کشور و شرکای او بر ایران تحمیل شد. این دوره از انتخابات تقاوتی اساسـی با انتخابات پیشـین در این کشور دارد. نخسـتین انتخابات ریاسـت‌جمهوری کسـی از برجام می‌تواند ارزیابی مناسـبی از عملکرد این کشور در اجرای تعهدات خود ارائه دهد. علاوه بر آنکه نامزد حزب جمهوری‌خواه مردی اسـت که بقیه بسیاری از کارشناسان «اکسـیمب‌اب»، که هرچند رویکردهای تندی نسبت به ایران دارد، اما می‌تواند به سبب نداشـتن سـابقه اجرائی، برجام را برای دوره به‌صورت غیرمسـتقیم می‌تواند اقتصاد جهانی و به تبع آن، اقتصاد ایران را تحت‌تاثیر قرار دهد. اما دراین‌میان، کارشناسان بر این عقیـده‌اند عملکرد ایران اسـت که می‌تواند بر اقتصاد کشور اثرگذار باشد و امکانی را برای رقابت‌های دوگانه به‌خطاط رویکردآمیز حاصل از انتخابات ایجاد نشود. قاسم محب‌علی، مدیرکل اسـبق وزارت امور خاورمیانه وزارت خارجه، غلامرضا نظربلند، اقتصاددان و سفیر ایران در سرپیلاکا و وحید شقاقی‌شهری، اقتصاددان و مشاور کمیسیون تلفیق مجلس شـورای پنجم تشخیص مصلحت نظام، در میزگرد روزنامه «شرق» با محور بررسی آثار اقتصادی رویکردآمیز هریک از کاندیدا‌های اصلی انتخابات آمریکا در ایران، صورت‌بندی شد.

شـوکه حیرت‌زاده: انتخابات ایالات متحده آمریکا همواره برای ایران دارای اهمیت بوده، زیرا رویکردهای این کشـور در مواجهه با خاورمیانه و ارتباطات کشـوره این کشور با شرکای اروپایی و آسـیایی خود، می‌تواند ایران را مسـتقیما تحت تاثیر قرار دهد. چنانچه در انتخابات‌های تحریم هسـته‌ای ایران، فشـارهای اقتصادی زیادی از ناحیه این کشور و شرکای او بر ایران تحمیل شد. این دوره از انتخابات تقاوتی اساسـی با انتخابات پیشـین در این کشور دارد. نخسـتین انتخابات ریاسـت‌جمهوری کسـی از برجام می‌تواند ارزیابی مناسـبی از عملکرد این کشور در اجرای تعهدات خود ارائه دهد. علاوه بر آنکه نامزد حزب جمهوری‌خواه مردی اسـت که بقیه بسیاری از کارشناسان «اکسـیمب‌اب»، که هرچند رویکردهای تندی نسبت به ایران دارد، اما می‌تواند به سبب نداشـتن سـابقه اجرائی، برجام را برای دوره به‌صورت غیرمسـتقیم می‌تواند اقتصاد جهانی و به تبع آن، اقتصاد ایران را تحت‌تاثیر قرار دهد. اما دراین‌میان، کارشناسان بر این عقیـده‌اند عملکرد ایران اسـت که می‌تواند بر اقتصاد کشور اثرگذار باشد و امکانی را برای رقابت‌های دوگانه به‌خطاط رویکردآمیز حاصل از انتخابات ایجاد نشود. قاسم محب‌علی، مدیرکل اسـبق وزارت امور خاورمیانه وزارت خارجه، غلامرضا نظربلند، اقتصاددان و سفیر ایران در سرپیلاکا و وحید شقاقی‌شهری، اقتصاددان و مشاور کمیسیون تلفیق مجلس شـورای پنجم تشخیص مصلحت نظام، در میزگرد روزنامه «شرق» با محور بررسی آثار اقتصادی رویکردآمیز هریک از کاندیدا‌های اصلی انتخابات آمریکا در ایران، صورت‌بندی شد.

★ چرا انتخابات آمریکا می‌تواند برای ایران اهمیت داشته باشد؟

محب‌علی: پیش از آنکه این پرسش را پاسخ دهم باید به خود آمریکا نگاهی داشـته باشیم. بـه مؤلفه امنیت ملی، منافع ملی و ارزش‌های آمریکایـی، سیاسـت خارجـی آمریکا را تشـکیل می‌دهـد. آمریکا تنها کشوری در دنیاسـت که مرزی بین امنیت داخلی و خارجی ندارد؛ یعنی به‌خودی‌خود امنیت آمریکا، امنیتی جهانی است. از نظر حضور نظامی آمریکا در دنیا و پیمان نظامی با ۱۳۰ کشور، حضور شرکت‌ها و کمپانی‌ها و مؤسساتش در دنیا، درصد بالای تولید ناخالص داخلی این کشور، امنیت آمریکا با امنیت جهانی پیوند خورده اسـت. منافع ملی در آمریکا منافع سیاسی و اقتصادی اسـت. ارزش‌های آمریکایی، جامعه باز، اقتصاد آزاد و حقوق بشر اسـت. مهم‌ترین جالش رئیس‌جمهوری آمریکا، نظم‌دادن به این سـه مورد اسـت. در شـرایط مختلف این موارد به چالش پیدا می‌کننـد؛ به‌ویژه ارزش‌های آمریکایی که با منافـع و منافع بااهمیت، ممکن اسـت گاهی ترکیب منافع با امنیت راحت‌تر باشد. در بسیاری اوقات ارزش آمریکایی قربانی امنیت یا منافع شـده اسـت. در دوران جنگ سـرد این قضیه خیلی نمود داشـت. با نگاهی به سیاست‌های خارجی آمریکا این پرسـش مطرح می‌شود. چرا آمریکا با این ارتباط دارد؟ ما در خاورمیانه زندگی می‌کنیم. اکنون مهم‌ترین مسئله در خاورمیانه امنیت، جنگ علیه تروریسم و افراطی‌گری، صلح خاورمیانه، امنیت انرژی، امنیت آبراه‌های اسـتراتژیک ما و نوعی دسـت بالای رئیس‌جمهـور را دارد. از طرفی از آنجاکه رئیس‌جمهوری می‌شود، تحمیت مستقیما این مسائل در حوزه امنیت است، ارتباط پیدا می‌کند. دوم منافع ملی آمریکا که بخشی به مسائل انرژی، تجارت و پول آمریکا برمی‌گردد. آمریکایی‌ها تنها شهروندانی هسـتند که در همه‌جا می‌توانند از پول خودشان استفاده کنند؛ چون دلار آمریکا پولی جهانی است. بر اثر تحریم‌ها بازار خرید ما متحول شد و دلار هزار تومانی به سه هزار تومان رسید؛ بعضی قدرت خرید ما در دنیا یک‌سوم شد؛ مثلا وقتی آقای سـندرز می‌گوید تصمیم دارد حداقل دسـتمزد را در آمریکا از هشـت دلار به ۱۵ دلار برسـاند، طبیعتا این کار بلافاصله بازار کار دنیا را به‌هم می‌ریزد و تغییرات اساسی ایجاد می‌کند. تجربه تحریم نشان داد تجارت و مناسبات اقتصادی ما به روابط‌مان با آمریکا گره خورده است؛ بنابراین اگر کسی رئیس‌جمهوری شود که به این قضیه کمک کند، باعث می‌شـود روابط ما با کشورهای دیگر گسـترده‌تر شـود. حتی اگر با آمریکا کار نکنیم، می‌توانیم راحت‌تر با کشـورهای دیگر کار کنیم. اگر کسی باشد که مشـکل ایجاد کند، تجارت ما دنیا و ارتباطات سـرمایه‌گذاری دچار مشکل می‌شود. نکته سـوم ارزش‌های آمریکاست. اقتصاد آزاد، جامعه باز و حقوق بشر، هر سه موارد‌ی است که جایگاه دولت ما اسـت؛ هرچند میزان این جایگـاه در دولت‌های مختلف متفاوت بوده؛ اما به‌طور منظم این جایگاه وجود داشته است. تئوری آمریکایی این اسـت که هیچ جامعه باز تهدیدی برای منافع ملی آمریکا نخواهد بود. علت هم واضح اسـت. بیشـترین درصد کمپانی‌های بین‌المللی را آمریکایی‌ها دارند. سـیاست خارجی آمریکا کرانیکاه این سـه مؤلفه اسـت. در زمانی که بحران امنیتی به وجود می‌آید، نقطه کرانیکاه به سمت منافع امنیتی سوق پیدا می‌کند؛ مثل حادثه ۱۱ سپتامبر. زمانی که بحران اقتصادی ایجاد شود، کرانیکاه به سمت منافع متمایل می‌شـود. وقتی این دو کاهش پیدا کند، ارزش‌های آمریکایی نمود پیدا می‌کند و کشـورهایی که از این منظر دچار مشـکل هستند، تحت فشار قرار می‌گیرند که بسمتکی دارد کدام به موضوع فوری تبدیل شـوند؛ بنابراین تمام کشورهای دنیا به میزانی که با این سه مسئله دیگر مبتلـا هستند، با سیاست خارجی آمریکا مرتبط هستند. به رئیس‌جمهوری کند در آمریکا سرکار می‌آید، به واسطه این سه مؤلفه از سوی همه کشورها توجه خواهد شد.

★ نگرش‌های دوکاندیدای مطرح آمریکا در حوزه اقتصادی چیست؟

نظربلند: اگر می‌خواهید به نامزد ریاست‌جمهوری آمریکا نگاه کنید، باید ساختار سیاسی آمریکا را در نظـر بگیریم. در این صورت جایگاه رئیس‌جمهوری به‌طورکلی روشـن می‌شـود. البته آنچه اتفـاق می‌افتد، تصمیمات خیلی بیشـتر بح